گفت‌وگو با «سمیه فریدونی»، عضو هیأت‌علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی:

عدالت جنسیتی زیرمجموعه شایسته‌سالاری تعریف شود

شرق: عدالت جنسیتی به معنای رعایت تناسب میان زنان و مردان در دسترسی به همه امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است؛ به‌گونه‌ای که در حق هیچ کدام ستم یا اجحافی نشود. در این دوران باید دانست عدالت جنسیتی مفهومی صرفا اخلاقی نیست؛ بلکه از این جهت مفهومی آشناتر و مبهم‌تر از عدالت است. به‌ویژه آنکه این مفهوم از مباحث تازه دوران معاصر است و سابقه چندانی ندارد. دراین‌حال از طرفی سنت‌های ریشه‌دار اجتماعی و دینی، زنان را به سوی حفظ ارکان خانواده دعوت می‌کند؛ اما هنجارهای دنیای متجدد آنان را به مشارکت اجتماعی و حضور هرچه بیشتر در جامعه و همکاری فعال در مراکز اشتغال، فرامی‌خواند. مفاهیم عدالت و برابری که از زمان‌های دور مرکز توجه قرار گرفته است، با وجود این بی‌عدالتی و تبعیض در شهرها، همچنان به چشم می‌خورد. در میان انواع بی عدالتی‌ها و تبعیض‌ها، عدالت جنسیتی موضوعی بوده که در تمامی اعصار، به حاشیه رانده شده است. تفاوت بین زن و مرد و دیدگاه‌های پدرسالارانه، نه‌تنها در شهرسازی بلکه در بسیاری از موارد موجب شده است تا حقوق زنان را انکار کنند. این در حالی است که نقش کلیدی آنها در عرصه‌های مختلف، بروز یافته است. در نیمه دوم قرن بیستم، به موضوع عدالت جنسیتی توجه بیشتری شد؛ به‌صورتی‌که نقش زنان و تبعیض‌های وارده به آنها، در روند توسعه پایدار شهری بیشتر نمایان شد. با وجود حرکت‌های صورت‌گرفته، هنوز زمینه‌های اجرائی رفع این تبعیض‌ها در جهان، فراهم نیامده است. در بررسی عدالت جنسیتی و موضوع توسعه پایدار، توجه خاص روی مسئله جنسیت و ارتباط آن با توسعه پایدار هم، نکته‌ای درخورتأمل است. جنسیت به وسیله الگوهای اجتماعی که از فرهنگ نشئت می‌گیرد، بروز می‌کند. جنسیت از طریق زنان و مردان به‌منظور مشخص‌کردن ارتباط بین آنها و محیط، تعریف می‌شود. به‌این‌ترتیب وظایف و نقش‌های واضحی برای زنان و مردان بر پایه جنسیت در جامعه وضع می‌شود. سمیه فریدونی، عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، معتقد است عدالت جنسیتی زیرمجموعه شایسته‌سالاری است و این وظیفه دولت است تا با ابزارهایی که در اختیار دارد، فرصت به‌فعل‌رسیدن این توانایی‌ها را به بهترین نحو در اختیار افراد قرار دهد.

برای شروع شما عدالت جنسیتی را چگونه تعریف می‌کنید؟

عدالت جنسیتی مفهومی است که می‌تواند برداشت‌های ضدونقیض داشته باشد که این مهم به تعریف و مفهوم عدالت بستگی دارد. معتقدم عدالت در این مفهوم، بیشتر به معنای انصاف جنسیتی است. به این معنا که افراد را به واسطه جنسیت از چیزی محروم نکنیم و به انسان‌ها فرصت برابر بدهیم تا در حد توان خود از آن استفاده کنند.

برای شاخص‌سازی عدالت جنسیتی باید چه بگوییم؟

شاید بتوان این مفهوم را از طریق دستاوردهای آن تعریف کرد؛ چراکه عدالت جنسیتی مفهوم پیچیده‌ای دارد و می‌تواند ما را دچار چالش کند. امیرالمؤمنین(ع) عدالت را قرارگرفتن هر چیزی در جای خود تعریف می‌کند. اگر بخواهیم به این تعریف با نگاهِ افراطی که برخی به زنان دارند و جایگاه زن را فقط ماندن در خانه و انجام نقش‌های همسری و مادری می‌دانند، معنا کنیم؛ پس باید بگوییم عدالت در این منظر، ماندن زن در منزل و مرد در بازار کار می‌شود؛ اما هدف ما این نیست، بلکه منظور از عدالت در این نگرش، آن است که انتظار داشته باشیم افراد بتوانند تشخیص دهند چگونه باید در بهترین موقعیت خود قرار بگیرند و این اولویت‌بندی انسان‌هاست که تعیین‌کننده است. البته این اولویت‌بندی و تشخیص بهترین‌ها، در این سخن ناظر به تشخیص نقش‌ها و مسئولیت‌ها در دوره‌های مختلف زندگی است؛ اما در واقعیت این اتفاق نمی‌افتد و از جای دیگر قرار است این بهترین‌ها بر زندگی زنان تحمیل شود. برای مثال ما محدودیت پذیرش جنسیتی در دانشگاه را اعمال می‌کنیم و با این کار، به دست خود عدالت را زیر سؤال می‌بریم که در پی آن شاخص‌های مهم توسعه زیر سؤال می‌روند. ممکن است سؤال پیش بیاید که چه اهمیتی دارد شاخص‌های توسعه زیر سؤال رود یا اینکه مگر تمام هدف ما رسیدن به ملاک‌های توسعه است؟ بدیهی است که پاسخ منفی است. وقتی صحبت از توسعه و شاخص‌های آن می‌شود، ملاک شاخص‌هایی است که از سوی نهادهای حاکمیتی پذیرفته شده و بر آن اساس اسناد و قوانین، تصویب می‌شود. به عنوان مثال، پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد هرچقدر شاخص تحصیل دانشگاهی دختران در جامعه‌ای افزایش پیدا می‌کند، در مقابل نرخ بزه کاهش یافته، هزینه‌های سلامت خانوار کم شده، مؤلفه‌های بهداشت و تغذیه بهبود چشمگیری نشان داده و ملاک‌های تربیتی، استقلال و عزت‌نفس فرزندان نیز بهبود درخورتوجهی دارد. بهداشت، سلامت، تغذیه و عواملی از این دست، همه از شاخص‌های توسعه هستند که ما با تلاش برای کاهش حضور دختران در دانشگاه، به آنها بی‌توجهی می‌کنیم و از کنار این همه عامل مهم و اثرگذار در حفظ کیفیت زندگی در جامعه می‌گذریم. با این کار ما فقط در لحظه به دنبال راه حل هستیم و از عوارضی که ممکن است برای ما داشته باشد، چشم‌پوشی می‌کنیم؛ درحالی که اگر عدالت جنسیتی و فرصت‌های برابر را به رسمیت بشناسیم و به دنبال راه حل‌هایی باشیم که کارایی خود را در طولانی‌مدت نشان می‌دهند، آن وقت می‌توانیم در مسیر توسعه پایدار و پایداری حرکت کنیم.

از توسعه پایدار و پایداری گفتید. نقش عدالت جنسیتی را در توسعه پایدار چگونه ارزیابی می‌کنید؟

زن پویا از نظر من مهم‌ترین عامل توسعه پایدار و پایداری است. اما نمی‌توانیم بگوییم پویابودن زن فقط با مؤلفه‌های بیرونی مانند درس‌خواندن و دانشگاه‌رفتن، محقق می‌شود؛ بلکه زن پویا می‌تواند بهترین مسیر زندگی خود را انتخاب و برای آن تلاش کند؛ برای مثال در نقش مادر، همسر یا دختر به ایفای نقش بپردازد. یا هر انتخاب عقلایی دیگری داشته باشد. در ادبیات دانشگاهی، زن پویا تأثیر قطعی در روند توسعه دارد و این موضوع به اندازه‌ای از اهمیت برخوردار است که در سندهای آموزش عالی به دنبال توانا‌سازی زنان هستند تا آنها این مسیر را بپیمایند. طبیعتا عدالت جنسیتی و فراهم‌آوردن فرصت رشد برای زنان مهم‌ترین ابزار در تحقق توسعه پایدار است.

عدالت جنسیتی را می‌توانیم زیرمجموعه شایسته‌سالاری و فرصت برابر تعریف کنیم. روندهای مختلفی در کشورمان برای رشد آدم‌ها وجود دارد که متناسب با کشورهای پیشرفته نیست. حقیقت اینجاست وقتی بحث شایستگی مطرح می‌شود که دیگر زن و مرد بودن ملاک نباشد

آیا در کشورمان و در ابعاد مختلف به عدالت جنسیتی رسیده‌ایم؟

فکر می‌کنم که عدالت جنسیتی را بتوانیم زیرمجموعه شایسته‌سالاری و فرصت برابر تعریف کنیم. روندهای مختلفی در کشورمان برای رشد آدم‌ها وجود دارد متناسب با کشورهای پیشرفته نیست. حقیقت اینجاست که وقتی بحث شایستگی مطرح می‌شود که دیگر زن و مرد بودن ملاک نباشد. شما به‌عنوان یک فرد از جامعه برای رسیدن به فضای خوب باید شایسته باشید و این وظیفه دولت است که با ابزارهای مختلف شایستگی‌های افراد را به فعل تبدیل کند و جنسیت افراد مانع تحقق توانایی‌های آنها نشود.

در این راستا مسائل فرهنگی تا چه حد مانع تحقق عدالت جنسیتی شده است؟

لزوما نمی‌توانیم فرهنگ و حاکمیت را از هم جدا کنیم چراکه حاکمیت هم از آن تأثیر می‌پذیرد. درواقع این دو کنشی مداوم با یکدیگر دارند. اگر در حاکمیت ما شایسته‌سالاری وجود ندارد مردم ما هم کسی را که شایسته نیست می‌پذیرند. ازسوی دیگر هم در نظر بگیرید؛ برای مثال چند درصد امکان دارد که به من شغلی پیشنهاد شود و من در جواب بگویم من برای این شغل شایسته نیستم و دیگری شایسته‌تر از من است؟

ابزارهای دولت در این راستا چه چیزهایی هستند؟

راهکارهای قانونی، تأسیس حزب‌ها و به‌ویژه آموزش در مدارس که مهم‌ترین است، تا افراد آموزش ببینند و مسیرهای پیشرفت را طی کنند. درواقع حاکمیت با فراهم‌آوردن فرصت‌های آموزش، توانایی‌های افراد را پرورش داده و از طریق شکل‌دادن به زیرساخت‌های قانونی امکان به ظهور رسیدن توانایی‌ها و استفاده از فرصت‌های برابر و در نهایت شایسته‌سالاری را فراهم می‌کند.

در توسعه گفتمان ملی عدالت جنسیتی به چه چیزی نیاز داریم؟

انتخاب هر رویکردی در این حوزه نمی‌تواند از دایره اسلامی‌بودن خارج شود چون علاوه بر نوع نظامی که در آن زندگی می‌کنیم از گذشته تاکنون اسلام، جزء لاینفکی از فرهنگ ما بوده است؛ اما آنچه در این نگاه بسیار مهم است درک اهمیت اجتهاد، فقه و پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه است. این نیازها آن‌قدر متنوع و در حال تغییر هستند که حضرت رسول(ص) امر فرمودند که فرزندانتان را فرزند زمان خودشان تربیت کنید؛ بنابراین معتقدم ثبات بی‌جهت، انجماد و بی‌تغییری در نگاه اسلامی چندان پذیرفته نیست. شاید این نگاه، بدبینانه باشد اما معتقدم زنان و دختران ما در حال دورشدن از آموزه‌های اسلام هستند چراکه ما ثبات را در پیش گرفته‌ایم. اگر روح حرکت حضرت رسول (ص) را در نظر داشته باشیم می‌بینیم وی در جایی مبعوث شد که زن کالا بود و به ارث می‌رسید اما پیامبر (ص) به زن کرامت بخشید و حتی با زنان بیعت کرد که بالاترین سطح مشارکت اجتماعی در آن دوران بود. حالا فکر کنیم اگر حضرت بعد از هزارو ۴۰۰ سال در جامعه ما بودند همان کارها را انجام می‌دادند یا براساس روح تغییری که در حوزه زنان و تفکرات پیرامون آنها در پیش گرفته بودند به تحولات ژرف‌تر و عظیم‌تری دست می‌زدند.

چرا به این پویایی فقه و اجتهاد نیاز داریم؟

برخی احکام پاسخ‌گوی نیاز دختران امروز ما نیست. برای مثال برخی اوقات از دخترمان می‌خواهیم در خانه بماند و این درحالی است که دختر ما در خانه نمی‌ماند و این موضوع را بی‌عدالتی تلقی می‌کند و نمی‌پذیرد. پس اشکال کار می‌تواند در دو جا باشد یا قدرت تبیین درست نداشته‌ایم یا خوانش ما باید با منطق و تجربیات جدید دخترانمان همخوانی داشته باشد و راهکارهای عملی و مناسب ارائه کند.

من و اماس

دلا خون شو، خون ببار!

مریم پیمان

● یک، دو، سه. قطره‌های سرم آرام و بی‌عجله، وارد رگ‌ها می‌شوند. چشم‌های تار در بی‌رنگی فضا، نوری را تشخیص می‌دهند. قلب با هر قطره اضطراب را به سلول‌ها تزریق می‌کند و ترس از ندیدن در آنها جای می‌گیرد. «کاش! یک نفر مبتلا به اماس را می‌دیدم که هنوز می‌توانست ببیند». دخترک وحشت‌زده است. به خود می‌پیچد از درد سر و بی‌تاب شده برای واژگان امید و ایستادگی از زبان یک دوست؛ این روزها هر دم با یاد او بازدم می‌شود. بعضی‌ها استادِ در خاطر ماندنند. می‌آیند، از دور نگاهت می‌کنند و به‌آرامی تو را وادار به حرکت می‌کنند. خوبی‌ها و بدی‌هایشان را در خاطر جا می‌گذارند و یاد می‌دهند که باید رفت. تپش دارم. به آسمان خیره می‌شوم؛ «ببار ای بارون! ، ببار/ با دلم گریه کن، خون ببار/ در شبای تیره چون زلف یار/ بهر لیلی چو مجنون ببار»

یک، دو، سه. ثانیه‌ها نمی‌گذرند. صدای آنها بلندتر از همیشه اتاق را پر می‌کند. از آوای تکراری زندگی چنان خسته‌ام که هیچ راهی برای تغییر روزها و شب‌ها نمی‌بینم. یک، دو، سه. صدای پیام‌های خبری یکی پس از دیگری در خانه می‌پیچد. دیروز، امروز، فردا. شباهت‌ها بسیار است. فرقی ندارند ثانیه‌ها، دقیقه‌ها، ساعت‌ها و روزها. فقط شب با روز در نبود نور متفاوت است و میزان ثانیه‌ها. یک، دو، سه. صدای نفس‌ها یکی پس از دیگری روی پوستم می‌نشیند. پیام‌ها را می‌خواندم. شعر، متن، خبر. شب از نیمه گذشت؛ اما به عقب بازگشت. گیج شدم. تاریخ یک بار به فردا رفت و دوباره امروز را ثبت کرد. متن به شعر تبدیل شد. رنگ زندگی تغییر کرد و معنای آن. زمان ارزشمند شد و لب شاکر به بازگشت زمان. چه لحظه شیرینی بود آغاز امید! عجله برای بودن، فرار از تکرار و تلاش برای تغییر.

یک، دو، سه. با انگشتم روی میز می‌زنم. با پاک‌کردن نشانه‌ها، هیچ چیز تغییر نمی‌کند. با پاک‌کردن چند خط شعر و احوالپرسی خاطره‌ای از ذهن زدوده نمی‌شود. یک، دو، سه. سه درد به‌جای یک یا دو درد چه فرقی می‌کند؟ وقتی خبری از «او» نیست، فرقی ندارد. همان‌طور که با یک درد می‌گذشت، حالا با سه درد می‌گذرد. سه سال، سه ماه، سه هفته و... بر من سه قرن گذشته است؛ «داد و بیداد از این روزگار/ ماهُ دادن به شب‌های تار».

یک، دو، سه. سه‌ضرب وهمناک طبل کوچه را پر می‌کند و قوی‌تر از همیشه شنیده می‌شود. گوش‌های گرفته تنها صدای آهنگینی را تشخیص می‌دهند. نبودن «او» با هر ضربه اضطراب را به سلول‌ها تزریق می‌کند و ترس از نشنیدن با صدای سنج در هم می‌آمیزد. وحشت‌زده‌ام. به‌دنبال اجابت اضطرارم. زیر سقف این شهر همه حساب‌هایم را صاف کرده‌ام. «او» کی حساب‌هایش را صاف خواهد کرد؟ به من یک بغل آرامش بدهکار است. به خود می‌پیچم از سِر بودن و گیجی سر و دست‌ها. به جمعیت شاد جوانان سیاه‌پوش خیره می‌شوم؛ «دلا! خون شو، خون ببار/ بر کوه و دشت و هامون ببار/ به سرخی لبای سرخ یار/ به یاد عاشقای این دیار/ به داغ عاشقای بی‌مزار، ای بارون!»

مرامی‌سواری

سفر به سبک هیچ‌هایک چطوریه؟

ارشاد نیک‌خواه

● هیچ‌هایک (Hitchhike) یه روش کم‌هزینه ولی پرماجراست برای سفرکردن. هیچ‌هایک ترکیب دو کلمه hitch و hike هستش. اولی یعنی «ماشین‌گرفتن» و دومی یعنی «پیمودن، سفرکردن و رفتن» و ترکیبشون میشه «یه جورایی هِی سوار ماشین‌های عبوری بشی و به سفرت ادامه بدی، بدون ردوبدل‌کردن اون کاغذهای بی‌احساس به اسم پول!» درعوض چیزی که ردوبدل میشه، رفاقت و قصه و آجیل و لبخنده. در ادبیات داستانی ایران بهش «اتواستاپ» هم میگن که همون معادل فرانسوی کلمه هیچ‌هایک هستش، ولی خودمون «مرامی‌سواری» معنیش می‌کنیم. چرا مرامی‌سواری؟ چون در این شیوه مسافرت‌کردن کاملا متکی به مرام غریبه‌ها هستی. چون اون‌ها شما رو از نقطه الف به نقطه ب می‌رسونن و هیچ هزینه‌ای از شما نمی‌گیرن. اون‌ها کسانی هستن که دارن مسیرشون رو میرن و شما رو تا یه جایی سوار می‌کنن. پس آدم‌های بسیار محترمی هستن و شما هم باید یه‌سری نکته رو هنگام سوارشدن به ماشینشون رعایت کنین تا موجب رنجششون نشه. برای هیچ‌هایک‌کردن کافیه تو نقطه الف بغل جاده بایستی و برای ماشین‌های شخصی، وانت‌ها، کامیون‌ها و کلا هر وسیله نقلیه‌ای که دلتون خواست دست تکون بدین (البته با لبخند و با رعایت یک‌سری نکات که اون‌ها رو هم تو شماره‌های بعدی بهتون میگم) تا بالاخره یکی با قصد سوارکردنتون بزنه بغل. بعد میری جلو و باز هم با لبخند ازشون می‌پرسی که آیا یه همسفر می‌خوان و اینکه تمایل دارن شما رو صلواتی و بدون پول تا یه جایی برسونن. در این موقع باید برید جلو و بگید: «سلام! ما ایرانگرد هستیم و بدون پول سفر می‌کنیم. شما مسیرتون می‌خوره ما رو تا یه جایی با خودتون ببرید؟ بعد آقا/ خانم راننده میگه: شما کجا دارید میرید؟ بعد شما هم میگین: ما داریم میریم سمت [فلان‌جا]، ولی شما تا هرجایی مسیرتون بخوره ما باهاتون میایم. بعد آقا/خانم راننده هم یا میگه «بپر بالا» که این یعنی موفق شدین! یا میگه «مسیرم نمی‌خوره» یا «من بدون پول سوار نمی‌کنم» که این یعنی کلی ماشین دیگه تو جاده هستن و شما باید برگردین سر کارتون و ماشین‌های دیگه رو امتحان کنید! هیچ‌هایک‌کردن (یا همون مرامی‌سواری) روحیه خاصی می‌خواد. من یه چک‌لیست تهیه کردم که خودتون رو باهاش بسنجید و ببینید اهلش هستید یا نه. هیچ‌هایک برای کسانی مناسبه که ماجراجو هستن و کنجکاو، دوست دارن شیرجه بزنن به‌سوی ناشناخته‌ها، چالش‌پذیر هستن و دوست دارن گاهی خودشون رو پرت کنن تو بوته آزمایش، کسانی که برای سفرکردن خیلی پول ندارن، کسانی که فکر می‌کنن هنوز خوبی و اعتماد به همدیگه توی دنیا هست، کسانی که سَبُک سفر می‌کنن؛ سبک از نظر روانی، فکری، جسمی، کوله‌پشتی. درعین‌حال هیچ‌هایک برای بعضی آدم‌ها هم مناسب نیست. کسانی که دید کلاسیکی به سفر دارن و فکر می‌کنن سفر حتما باید لوکس باشه، کسانی که بدون برنامه و بدون مقصد نمی‌تونن مسافرت کنن، کسانی که غرغرو هستن، کسانی که فکر می‌کنن دنیا جای تاریکیه و همه آدم‌ها خبیث هستن و همه دنبال چاپیدن، اذیت‌کردن یا آزارت هستن و... حالا ببینید جزء کدوم دسته هستید. روش مسافرت‌ها زیاده، مهم اینه که بزنید بیرون و نایستید.

www.sizdahom.com

جدول ۲۶۵۹ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- از جزایر خلیج‌فارس- ماهر- وسیله حمل بار که به پشت خودرو بسته می‌شود ۲- قرابت- اداره‌کننده- آهار زده ۳- کاسه‌گردان- نام کوچک پاستور- سنجاب انیمیشن عصر یخبندان ۴- چهره- اسب سرخ و سفید- حواله ۵- هراس- محکم‌کننده پیچ- کتاب مشهور سیدبن طاووس که رویکردی واقع‌گرایانه به ماجراهای کربلا دارد ۶- دروغگوی آخرالزمان- بیخ- از اجزای چراغ نفتی ۷- انجمن بین‌المللی هواپیمایی جهان- خرمافروش- پیشوندی معادل میلیون ۸- شتر عربی- جانوری دوزیست- کلمه هشدار ۹- از گناهان کبیره- ارتعاش- ادغام چند منبع صوتی یا تصویری بر روی یک نوار ۱۰- رادار- چیزها- موزه پاریس ۱۱- دارای نظم و ترتیب- گیرنده امواج- نوعی انگور ۱۲- خودروی باربری کوچک- میان‌تهی- عید ویتنام ۱۳- از ارتفاعات استان کرمانشاه- سیب آذری- مجموعه دستگاه گوارش ۱۴- گیاه بی‌آوند مناطق مرطوب- بیزاری- هرج‌ومرج ۱۵- جزایر کوچک و بزرگ خلیج‌فارس- درگیر- سکه زر دوره هخامنشی.

عمودی:

۱- شهری در گیلان- نام دختر خسروپرویز ۲- پیوند زناشویی- شهر ساحلی- گازی برای تصفیه آب ۳- بالاپوش بلند مردان قدیم- شیوه‌ای در رنگ‌کردن مو- زبانه آتش ۴- چه کسی- دیکته- از آلات موسیقی ۵- خانه بسیار فقیرانه- جواب‌دادن به پرسش‌های امتحان از روی ورقه دیگری- قطعه موسیقی ۶- پیرایه- شهری در استان کرمان- پشه مالاریا ۷- سبز تیره- استواری در اندیشه و اراده- راهی که به آخر نمی‌رسد! ۸- از اعمال حج- اثری منظوم از امیر خسرو دهلوی که به تقلید از هفت‌پیکر نظامی سروده است- برگ برنده ۹- وحشی- خدای هندو- سردار ۱۰- از اجرام آسمانی - بی‌هوشی- شتر تندرو ۱۱- مسیحی- شوکت- روح ۱۲- غذایی از گوشت چرخ کرده و سیب‌زمینی- مظهر سردرگمی - نام ترکی ۱۳- معشوق- شومینه- جرقه آتش ۱۴- زنگ جرس- رودی در روسیه- تلف کردن زمان ۱۵- شهری نزدیک رشت - موزون.

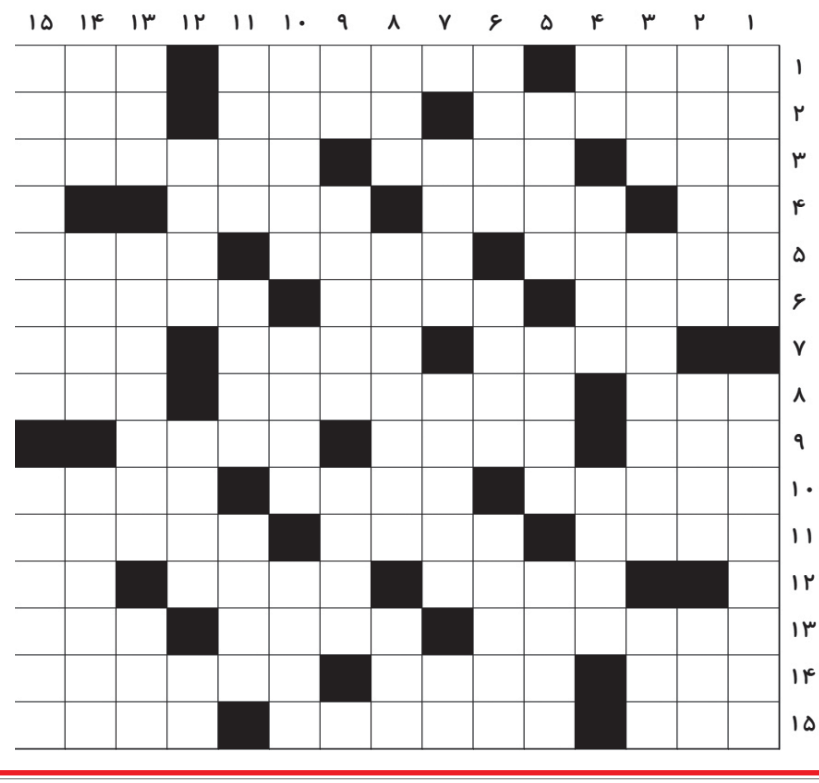

حل سودوکو سخت

۸	۱	۷	۳	۴	۹	۵	۲	۶
۹	۳	۵	۲	۶	۷	۱	۸	۴
۴	۲	۶	۱	۵	۸	۹	۷	۳
۶	۷	۳	۵	۸	۱	۴	۹	۲
۲	۸	۴	۶	۹	۳	۷	۱	۵
۵	۹	۱	۴	۷	۲	۶	۳	۸
۳	۶	۹	۸	۱	۴	۲	۵	۷
۱	۵	۲	۷	۳	۶	۸	۴	۹
۷	۴	۸	۹	۲	۵	۳	۶	۱

حل سودوکو ۱۶۵۵

۱	۸	۵	۷	۲	۶	۳	۹	۴
۷	۴	۶	۳	۹	۸	۲	۱	۵
۲	۳	۹	۱	۴	۵	۸	۷	۶
۵	۲	۸	۹	۶	۷	۴	۳	۱
۴	۱	۷	۸	۵	۳	۹	۶	۲
۶	۹	۳	۴	۱	۲	۵	۸	۷
۹	۷	۴	۲	۸	۱	۶	۵	۳
۳	۶	۲	۵	۷	۹	۱	۴	۸
۸	۵	۱	۶	۳	۴	۷	۲	۹

جدول ۲۶۵۸

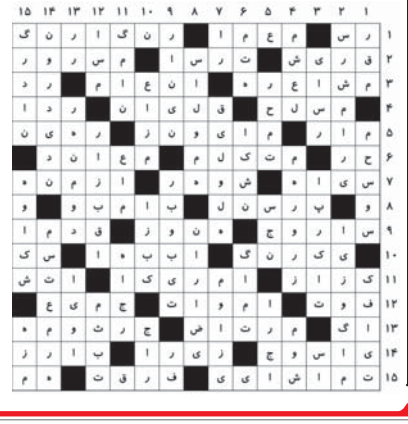

سودوکو سخت ۱۶۵۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۲		۹			۶		
			۴	۶	۵		۳	
				۸			۱	
	۵		۷	۲	۶			۳
			۱		۹		۲	۶
		۲		۴		۹		۷
	۶	۱					۴	
۵		۳				۷		
			۵	۷	۸			

سودوکو ۱۶۵۶

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۵		۹	۳			۱
۴	۲	۳		۸	۷			۹
۶			۵				۳	
۸		۴	۲				۱	
۱		۶		۷			۸	۲
۹		۲				۴		۵
					۴	۸		۶
	۶	۹		۲				
		۸	۷	۱		۵		۳